گفتند شوهرت در اسید حل شد

عالیه الحداد تقوی یک سال و ۴ ماه درزندان‌های صدام دراسارت به سربرد و همسرو برادرش دراسید به شهادت رسیدند؛ او به عنوان الگوی فاطمی برگزیده شده است

سعیده آل ابراهیم

همه‌چیز از نیمه‌شب شروع شد. همان زمان که تیر به قفل در اصابت کرد، انگار که ناقوس مرگ به صدا در آمده باشد. از آن روز به بعد، عالیه الحداد تقوی و خانواده‌اش دیگر روی خوشی را ندیدند. تا از زندان خلاص می‌شدند، دوباره برای اسارت به پادگان دیگری منتقل می‌شدند. یک سال و ۴ ماه زندگی در اسارت کم نیست، آن هم با چاشنی شکنجه. از متلک و تهدیدهای کلامی بگیر تا سقط جنین دوماهه‌اش در روز روشن. او درست یک سال و ۴ ماه، بی‌وقفه به مرگ فکر کرد و حتی روزنه‌ای به زندگی دوباره نمی‌دید، اما ورق برگشت و پاداش تاب آوری را زندگی کرد. تقوی همسر و خواهر ۳ شهید است که به پاس همه روزهای نفس گیر زندگی‌اش، سال ۹۴ به عنوان الگوی فاطمی برگزیده شد.

عالیه الحداد تقوی ایرانی تبار اما زادگاهش نجف است. در آستانه هفتادسالگی، هنوز هم لهجه عربی و ادای غلیظ کلمات در صحبت کردنش مشهود است. آرامش مانند رودی در کلام و چشم‌هایش جاری است، مانند ۲ دوست قدیمی که پس از سال‌ها دوری، یکدیگر را ملاقات کرده و از همان روز عهد اخوت بسته‌اند. او روزهایی را پشت سر گذرانده است که حتی فکر نمی‌کرد از آن‌ها جان سالم به در ببرد. او مصداق بارز شعر «ما را به سخت‌جانی خود این گمان نبود» است. تقوی چه در عراق چه در ایران معلم بوده است و حالا ۴ سالی می‌شود که بازنشسته فرهنگی است. خانه‌اش سوت و کور است، اما تنها نیست. قابی روی دیوار پذیرایی خودنمایی می‌کند که عکس همسر و ۳ برادر شهیدش را نشان می‌دهد و هر بار با نگاه کردن به آن‌ها دنیایی از خاطرات جلو چشمانش رژه می‌روند. قرار است نه تنها روایتگر زندگی خودش باشد، بلکه برایمان از چیزهایی بگوید که بر ده‌ها و صدها هم‌وطنش گذشت، آن‌ها که خیلی هایشان تابعیت ایرانی داشتند.

تقوی فرزند اول خانواده بود و مانند خیلی از فرزندان اول در زمان قدیم، باید در امور خانه و رتق و فتق کارهای بچه‌های کوچک‌تر کمک می‌کرد. کودکی نکرد و همه سال‌های بچگی‌اش در مدرسه، کتاب و بچه‌داری خلاصه شد. خانواده‌ای مذهبی داشت. پدرش پیش از اینکه به تجارت رو بیاورد، حوزوی بود. مادرش نیز به اندازه قرائت قرآن سواد داشت. پدر خانواده مشتاق حرکت‌های انقلابی بود و در حرم پشت سر امام خمینی(ره) نماز می‌خواند و تصاویری از آن زمان دارد. بچه‌ها هم مسیر خانواده را دنبال کردند. تقوی هم با بنت‌الهدی صدر، خواهر امام موسی صدر، که با امام خمینی(ره) ارتباط مستقیم داشتند، رفت‌وآمد داشت.

او درس‌خوان بود و از اینکه رتبه خوبی در کنکور می‌آورد اطمینان داشت. «رتبه‌ام خوب بود و رشته داروسازی قبول می‌شدم، اما به این دلیل که طرف‌دار بعثی‌ها نبودم، نمی‌توانستم در این رشته شرکت کنم زیرا این رشته به دریافت تأییدیه از مرکز حزب بعث نیاز داشت. من و خانواده‌ام این حزب را حرام می‌دانستیم. بنابراین در رشته ریاضی تحصیل کردم.»

محجبه‌ای که در دانشگاه انگشت‌نما بود

در عکس‌های سیاه‌وسفیدی که از دوران جوانی و دانشگاه برایش به یادگار مانده، محجبه است. به همین دلیل، در دانشگاهی که خیلی‌ها در آن حجاب نداشته‌اند، انگشت‌نما بوده است. در آن عکس‌های قدیمی لبخند دل‌نشینی به چهره دارد که هنوز هم همراه اوست، اما امروز خطوطی بر چهره دارد که گویای آنچه بر او گذشته است. پشت یکی از عکس‌ها نوشته شده است «الیوم مهرجان التخرج» به معنی جشن دانش‌آموختگی. «در دانشگاه نه‌تنها خودم حجاب داشتم بلکه چند نفر از دوستانم را هم به داشتن حجاب تشویق کردم. همان‌طور که در عکس معلوم است، من و چند نفر از دوستانم در جشن دانش‌آموختگی با حجاب و ساده حاضر شده‌ایم، اما همه خانم‌ها در آن روز آرایشگاه می‌رفتند و لباس مجلسی می‌پوشیدند.»

تقوی با اینکه معدل بالایی داشت، دریافت مدرک بعد از فارغ‌التحصیلی باز هم برایش آسان نبود به این دلیل که درس حزب بعث را در دانشگاه نگذرانده بود. «همه باید این درس را می‌گذراندند، اما من نگذرانده بودم. با من صحبت کردند و گفتند هرقدر هم معدل و نمره‌هایم خوب باشد، بدون گذراندن این درس، نمی‌توانم مدرکم را تحویل بگیرم. به من گفتند اگر تنها سر جلسه امتحان حاضر شوم می‌توانم مدرکم را تحویل بگیرم و من در نهایت، از سر ناچاری این کار را کردم.»

تقوی یک سال بعد از دانش‌آموختگی، یعنی سال ۵۸، ازدواج کرد، با یکی از هم‌دانشگاهی‌هایش ازدواج کرد، پسری که در طول دوران تحصیل، بدون اینکه بداند، حرکات و رفتارهایش را زیر ذره‌بین گرفته بود. همسرش هم خط ...

...

حالا بچه‌ات سقط شده و دردت ساکت می‌شود. تازه متوجه بارداری‌ام شدم. همین بود که شیری ... بود. سقط بچه دوماه‌ونیمه‌ام نوع دیگری از شکنجه ...

> وقتی شوهرم را از خانه‌مان به اسارت بردید حلقه، انگشتر و لباس داشت، حداقل همان‌ها را به من بدهید. پسرم، چند سال دیگر حتی یک بار هم چهره و آغوش پدرش را به یاد نمی‌آورد، او حتما از من طلب قبر یا یادگاری از پدرش را می‌کند. اما آن مامور گفت شوهرت هرچه داشت و نداشت در آب اسید حل شد

... می‌دادند. جاری‌ام به من گفت حتی او ... اسلحه جابه‌جا می‌کرده است.»

شهادت در آب اسید

او در آن ۴ ماه هیچ به زنده‌ماندن فکر نمی‌کرد ...

هنر دوخت‌های سنتی در انحصار زنان ایرانی

پویا محمودیان، معاون صنایع دستی وزارت میراث فرهنگی: مثلث سه‌ضلعی زنان، صنایع دستی و کارآفرینی باعث افتخار کشورمان شده است. امروز زنان ایرانی در حوزه زیورآلات به قدری پیشرفت کرده‌اند که تحسین‌های زیادی را به خود جلب کرده‌اند. این افتخارآفرینی در ابعاد جهانی نیز رقم خورده است.

صدف
تکتم جاوید
کارشناس ارشد روان‌شناسی عمومی

آن اتفاقات می‌افتاد حتی اگر ما نبودیم

روانتان آرام نیست وقتی تصمیم می‌گیرید مادر آرامی باشید؟ از زندگی جدید خود لذت نمی‌برید درحالی که سال‌ها برای به دست آوردنش زحمت کشیده‌اید؟ پول و ثروت کنونی خوشحالتان نمی‌کند؟ همان که روزی حسرت شب و روزتان بود. تعداد آدم‌هایی که مدام در گذشته خود سیر می‌کنند و همین فرصت لذت‌بردن از جایگاه کنونی را به آن‌ها نمی‌دهد، کم نیست. زنان نیز بخش عمده‌ای از افراد هستند زیرا در فرهنگ ما زن باید صبور باشد و از سختی‌ها شکایت نکند.

تجربه نامادری، خانواده نامناسب، تصادفی که همراه با معلولیت بوده است، وقوع زلزله و مرگ نزدیکان، ازدواج اجباری، زندگی در تنهایی، بارداری ناخواسته، طلاق و خیلی دردهای دیگر زندگی ممکن است در تجربه ذهنی هرکدام از ما نهفته باشد، جایی در ذهنمان نشسته باشد که مدام از خاطره‌مان بگذرد یا مدام در حال مرور آن باشیم. این در حالی است که خود در وقوع بسیاری از آن‌ها نقشی نداشته‌ایم. آن اتفاقات می‌افتاد حتی اگر ما نبودیم. پس قرار نیست خود را رنج بدهیم. دردهای تلخ گذشته در روان‌شناسی به «تروما» مشهور هستند.

معنای ساده‌اش زخم است اما زخم روان، یعنی آن رویدادی که از نظر روانی از پای درآورنده، زمین‌گیر کننده و استرس‌آور است. اتفاقات تلخ و حوادث تمام می‌شوند اما اثر روانی آن‌ها مانند زخمی که تنها رویش پوشانده شده باشد، پنهان می‌شود و هربار سراغش بروید و حتی قصد یادآوری آن خاطره را داشته‌باشید، باعث ایجاد ترس، درماندگی یا وحشت در وجودتان می‌شود. هر اتفاق می‌تواند اثر متفاوتی در روان افراد بگذارد. حادثه‌ای مانند تصادف یا طلاق ممکن است برای یکی رویدادی عادی باشد و برای دیگری مختل کننده زندگی و پایین‌آورنده کیفیت زندگی.

اگر مادر باشید، تروماهای وجودتان نمی‌گذارد مادری مهربان و شاد باشید و اگر هنوز به دوران تأهل وارد نشده‌اید، شاید از ترس خیلی از ماجراها هیچ‌وقت تصمیم به ازدواج نگیرید یا داشتن فرزند را از خود دریغ کنید. اندیشه منفی گذشته، انرژی و نیرویمان را کاهش می‌دهد و باعث اتلاف وقت، خستگی و تنش فکری خواهد شد. از سوی دیگر، روابط ما با اطرافیان را نیز دستخوش بحران می‌کند.

جلسات مشاوره و روان‌درمانی کمک می‌کند جرئت داشته باشید به ترومای خود نگاه کنید، زخم روان خود را بیابید، آن را باز کنید و رویش مرهم بگذارید. جای آن زخم هرگز خوب نمی‌شود. درمانگر هم قرار نیست معجزه کند، اما دیگر زخمی وجود ندارد که آزارتان دهد. زندگی می‌کنید به طوری که کیفیت زندگی‌تان مانند یک انسان با روان سالم باشد.

ماجراهای تلخ گذشته یک تجربه بوده‌اند و عمر ما فرصتی برای اشتباه کردن و درس گرفتن. قرار نیست امروز را فدای دیروزی کنیم که تمام شده‌است.

زهرا شوشتری
کارشناس حقوق

پاسخ به پرسش‌های حقوقی بانوان

از ابتدای آذرماه به پرسش‌های حقوقی مخاطبان عزیز که با پیامک یا تلفن ثبت شده باشد پاسخ داده می‌شود. مخاطبان گرامی می‌توانند برای اطلاع بیشتر، با روابط عمومی شهرآرا به شماره ۳۷۲۸۸۸۸۱ تماس بگیرند یا به شماره پیامک ۳۰۰۰۷۲۸۹ پیام دهند.

چرا به اتباع در ایران گواهی‌نامه رانندگی، دسته‌چک، کارت کارت اعتباری و بیمه اجتماعی می‌دهند ولی از لحاظ قانون، معامله خرید و فروش ملک ممنوع است؟

هر کشوری قوانین خاص خود را دارد که باید رعایت شود. در ایران نیز بنا به صلاحیت‌های قانون‌گذاری، چهارچوب‌هایی برای تملک اموال غیرمنقول در نظر گرفته شده است که از جمله آن، تملک هر نوع زمین، به هر میزان برای اشخاص بیگانه مجاز نیست. البته ناگفته نماند که آیین‌نامه چگونگی تملک اموال غیرمنقول توسط اتباع خارجی غیرمقیم در ایران (مصوب سال ۱۳۷۴) تملک محدود اموال غیرمنقول را با شرایطی و با مجوز دولت پذیرفته است. از طرف دیگر، در آیین‌نامه اجرایی قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی (مصوب سال ۱۳۸۱) راهکارهای سرمایه‌گذاری و کسب مالکیت مطرح شده است.

آیا پدر خانواده می‌تواند املاک و سرمایه خود را به هر شکلی که مایل باشد به فروش برساند یا به شخص دیگری واگذار کند؟ در صورتی که بقیه اعضای خانواده ناراضی باشند.

منعی دراین‌باره وجود ندارد و تا زمانی که فرد حیات دارد می‌تواند هر تصمیمی درباره اموال خود اعم از خرید و فروش، صلح، بخشش و ... بگیرد.

آیا امکان حذف سوءپیشینه وجود دارد؟

آنچه عامه مردم به آن سوءپیشینه کیفری می‌گویند، در لفظ قانون‌گذار، «محکومیت مؤثر کیفری» است. افرادی که مرتکب جرمی شوند و مجازات آن به شرح ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی باشد، دارای محکومیت مؤثر کیفری هستند و تا پایان موارد ذکرشده در این ماده نمی‌توانند گواهی عدم سوءپیشینه بگیرند. هر جرمی که در دایره محکومیت مؤثر کیفری نباشد، اگرچه در پیشینه کیفری مرتکب درج می‌شود، در گواهی‌های صادره از مراجع قانونی ذکر نخواهد شد. محکومیت مؤثر کیفری تنها درباره جرائم خاص و در بازه زمانی مشخص باقی می‌ماند و پس از آن، سوءپیشینه کیفری از کارنامه شخصی که در گذشته مرتکب جرمی شده است پاک می‌شود.

اگر پدری اموالش را وقف اولاد به اولاد کرده باشد اما بعد از فوتش خانواده ناراضی باشند چه باید کرد؟

مال وقف‌شده پس از حصول شرایط صحت و لزوم وقف، چه از سوی واقف چه متولی و دیگران قابل فروش و ... نیست. مال موقوفه قابلیت خرید و فروش ندارد و خرید فروش آن باطل است، اما استثنائا طبق مواد ۸۸ و ۸۹ قانون مدنی، در صورت خراب شدن مال موقوفه یا ترس از خراب شدن مال موقوفه به نحوی که آبادانی آن ممکن نباشد یا کسی حاضر به آبادانی آن نشود و در نهایت در صورتی که بین موقوف علیهم (کسانی که عقد وقف به نفع آن‌ها شده است) اختلاف باشد به صورتی که بیم خون‌ریزی و کشت و کشتار رود، امکان فروش هست، اما عوض (پول) در همان راهی که از سوی واقف پیش‌بینی شده است یا راهی که به قصد و نیت او نزدیک باشد هزینه می‌شود.

لایحه حفظ کرامت بانوان به مجلس رفت

لایحه حفظ کرامت بانوان که مدت‌ها در کشاکش تصویب بود بالأخره به مجلس رفت. معصومه ابتکار، معاون رئیس جمهور، در توییتر شخصی خود از ارسال لایحه «حفظ کرامت و حمایت از زنان در برابر خشونت» از سوی رئیس جمهوری به مجلس خبر داد و نوشت مجلس یازدهم می‌تواند توفیق تصویب این لایحه را داشته باشد.

آفاق
هدی جاودانی
مترجم

دختری ایزدی که از چنگال داعش گریخت

سال ۲۰۱۴ لامیا حاجی‌بشر دختر پانزده‌ساله‌ای بود که در روستای ایزدی‌نشین و آرام خود در شمال عراق سکونت می‌کرد. یکشنبه، سوم آگوست ۲۰۱۴، با ورود ناگهانی داعش به این خطه، زندگی لامیا برای همیشه تغییر کرد. نیروهای داعش خانواده، دوستان و خویشاوندان لامیا را به قتل رساندند. هزاران ایزدی در این کشتار جان خود را از دست دادند و در گورهایی دست‌جمعی به خاک سپرده شدند. در این میان، زنان و دختران بسیاری به بردگی گرفته شدند. لامیا نیز به‌عنوان برده به داعش فروخته شد. او پس از مدتی، از چنگال داعش می‌گریزد و داستان خشونت‌های بی‌رحمانه داعش علیه زنان و دختران ایزدی را با جهان به اشتراک می‌گذارد.

اما داستان زندگی لامیا از کجا شروع می‌شود؟ پس از کشته شدن پدر و برادران لامیا به دست داعش، او و خواهرش به اسارت گرفته می‌شوند و چندین نفر از سربازان و سرکردگان داعش به آن‌ها تجاوز می‌کنند. لامیا ۴ مرتبه تلاش می‌کند بگریزد اما هربار نیروهای داعش او را پیدا می‌کنند و مورد ضرب و شتم قرار می‌دهند. او ناامید نمی‌شود. لامیا پس از ۱۸ ماه اسارت، بالأخره در پنجمین تلاش خود، موفق می‌شود با ۲ دختر جوان دیگر بگریزد. در مسیر، پای یکی از دختران روی مین کاشته‌شده‌ای در زمین می‌رود و تنها لامیا از این حادثه جان سالم به در می‌برد. انفجار مین به‌شدت او را مجروح و به چشمانش آسیبی جدی وارد می‌کند.

در همین حین، یک سازمان اهدای کمک‌های بشردوستانه در عراق ایزدیانی را که در مناطق دورافتاده نیاز مبرم پزشکی داشتند، برای درمان به آلمان منتقل می‌کند. آن‌ها از طریق خویشاوندان لامیا از وضعیت او باخبر می‌شوند و به کمک او می‌شتابند. این افراد از کنسولگری آلمان می‌خواهند برای لامیا روادید این کشور را صادر کند تا بتواند هرچه سریع‌تر تحت درمان قرار بگیرد. پزشکان آلمانی پس از یک جراحی دشوار و طولانی‌مدت، یکی از چشمان او را احیا می‌کنند، اما به‌طبع جراحت‌های لامیا تنها ریشه در جسم و جان او ندارد، و تسکین دردهای او به فراتر از این‌ها نیازمند است.

لامیا با پرس‌وجو از اطرافیانش، می‌خواهد به نمایندگی از زنان ایزدی اسیر داعش، صدای آنان را به دنیا برساند. با اینکه تنها یک ماه از جراحی‌اش گذشته بود، او شجاعانه در برابر پارلمان اروپا در بروکسل ایستاد و به‌عنوان یکی از بازماندگان خشونت‌های بی‌رحمانه داعش شهادت داد. پارلمان اروپا در سال ۲۰۱۶ به لامیا حاجی‌بشر و نادیا مراد، دیگر نجات‌یافته ایزدی و فعال حقوق بشر، بابت شجاعتشان جایزه ساخاروف را اهدا کرد. این جایزه پنجاه‌هزاریورویی به افرادی اهدا می‌شود که زندگی خود را وقف دفاع از حقوق بشر و آزادی اندیشه می‌کنند.

«دختران ایزدی قربانیان افراطیگری، خشونت و تروریسم هستند. آن‌ها جانشان را در این راه از دست دادند، اما از همه شما تمنا می‌کنم که به من و به ما قول دهید هیچ‌وقت، هیچ‌وقت دیگر اجازه ندهید دوباره چنین بلاهایی سر ما بیاید.» این‌ها را لامیا در حالی در صحن پارلمان اروپا به زبان می‌آورد که اشک حاضران بر چهره‌هایشان جاری شده بود.